

انواع حرف ربط:

تعریف حرف ربط: حرف ربط یا پیوند حروفی هستند که جملات را به هم متصل می‌کنند و دو نوع هستند:

الف) پیوندهای وابسته ساز: حضور این نوع حرف ربط در جملات به معنای داشتن و وجود «جمله مرکب» است. به عبارتی پیوند وابسته ساز جمله فرعی (جمله پیرو) را به جمله اصلی (هسته) وصل می‌کند و آن را تابع آن می‌کند.

مثال: پرکاربردترین حروف ربط وابسته ساز عبارتند از:

اگر؛ گر؛ گرچه؛ اگرچه؛ ار؛ ارچه؛ که؛ تا؛ زیرا؛ چون (به معنی «وقتی» و «زیرا») وقتی که؛ هنگامی که؛ چون که؛

مثال :

اگر تمریناتش را درست انجام می‌داد در مسابقات تبه اول می‌شد.

ب) پیوندهای همپایه ساز: اینو از حروف ربط جملاتی را که از لحاظ دستوری شأن یکسان دارند به هم وصل می‌کنند. به عبارت دیگر پیوندهای همپایه ساز دو جمله مستقل را به همدیگر وصل می‌کنند به این معنی که هر دو جمله جدای از هم معنای مستقل و کاملی دارند. مثلاً دو جمله ساده یا دو جمله مرکب یا دو جمله پیرو یا دو جمله پایه را به هم متصل می‌کنند

پرکاربردترین حروف ربط هم پایه ساز عبارتند از:

و؛ یا؛ اما؛ ولی؛ ولیکن؛ لکن؛

مثال:

۱. خواهرم به کارخانه رفت اما من در خانه ماندم

روابط چهارگانه واژگان

معنی برخی واژه‌ها را فقط از بافت کلام می‌شود فهمید یعنی باید جمله را کامل بخوانی تا معنی را متوجه شویم اما گاهی نیاز به خواندن کل جمله نیست کافیهست که به یکی دو کلمه قبل یا بعد آن واژه توجه کنیم تا از طریق روابط معنایی آن واجب با همسایگانش به معنی آن پی ببریم این روابط برای کشف معنی واژه چهار گونه است

الف) تضاد: در اینجا با کلمه متضاد ی به معنی واژه متضادش می‌بریم

مثلاً سیر حال گرسنه را نمی‌فهمد» در اینجا معنی واژه سیر با متضادش یعنی گرسنه معین می‌شود.

مثال‌های دیگر: ترسو و شجاع؛ گرم و سرد

ب) مترادف: گاهی به معنی یک کلمه با توجه به واژه هم معنی یعنی مترادف ی می‌بریم

مثلاً در جمله از مرامتان سیر و بیزارم از طریق هم معنایی و مترادف واژه سیر با واژه بیزار به این پی می‌بریم که اینجا سیر به معنی همان بیزار است

مثال‌های دیگر: ترسو و بزدل؛ آرمان و آرزو؛ تند و سریع

پ) تناسب: بعضی وقت‌ها یک واژه بر اساس نسبت و تناسبش با یک یا چند واژه در جمله معنی مشخصی پیدا می‌کند

مثلاً در جمله: دیروز در میوه فروشی سیر و پیاز خریدم

واژه سیر و پیاز دچار تناسبی هستند ه باعث می‌شود واژه سیر معنایش مشخص شود

مثال‌های دیگر: سهند و سبلان؛ گیلان و آلبالو

ت) تضمن: بعضی وقت‌ها یکی از دو واژه مصداقی از واژه دیگر است ه این رابطه تضمن می‌گویند مثلاً در جمله سیر یکی از گیاهان دارویی است از طریق رابطه تضمن به معنی سیر می‌رسیم زیرا سیر مصداق وزیر مجموعه گیاهان است

مثال‌های دیگر: گیاه و ریشه؛ حیوان و اسب؛ دریا و صدف

فعل معلوم و مجهول:

فعل معلوم فعلی است که فاعل و انجام دهنده فعل در آن مشخص است. در حالی که فعل مجهول فعلی است که فاعل و یا انجام دهنده آن مشخص نیست و انجام کار به مفعول نسبت داده می‌شود نه به فاعل

مثلاً در جمله حمید خانه را ساخت قائل مشخص است و فعل جمله معلوم است در حالی که در جمله خانه ساخته شد فاعل جمله مشخص نیست و فعل به مفعول نسبت داده می‌شود.

مراحل مجهول کردن فعل معلوم

۱. حذف نهاد

۲. جایگزینی مفعول به جای نهاد و حذف «را»

۳. تبدیل فعل به صفت مفعولی «صفت مفعولی (بن ماضی +ه یا هة شده یا نیده)

۴. مطابقت شناسه با نهاد جدید

مثال:

دکتر شفیعی کدکنی مقالات ادبی زیادی را نوشته است

جمله مجهول «مقالات ادبی زیادی نوشته شده است»